

اعتبار سنجی روایات قضاوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در کتاب بصائر الدرجات

محمد غلامی^۱

چکیده

قضاوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از موضوعات مهم در منابع حدیثی شیعه است که گاه با پرسش‌هایی درباره سند و محتوای آن روبرو است. هدف این پژوهش اعتبارسنجی روایات قضاوت حضرت، با تمرکز بر کتاب متقدم «بصائر الدرجات» صفا می‌باشد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، به تحلیل سندی و محتوایی روایات این کتاب و بررسی نقل آن‌ها در دیگر منابع می‌پردازد.

نتایج بررسی پنج روایت نشان می‌دهد که چهار روایت دارای اسناد صحیح یا قابل قبول هستند، هرچند یک روایت به دلیل وجود راویان ضعیف با چالش مواجه است. در عین حال، تکرار مضمون آن در روایات معتبر و نقل در منابع معتبر شیعه، اعتبار محتوایی این آموزه را تأیید می‌کند. در نهایت، با توجه به قدمت و اعتبار منبع اصلی، صحت اسناد اکثر روایات و پذیرش آن‌ها توسط عالمان شیعه، می‌توان نتیجه گرفت که محتوای روایات قضاوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه معتبر و قابل استناد است و بر استفاده از علم الهی برای احقاق حق تأکید دارد.

واژگان کلیدی: امام مهدی، قضاوت، تحلیل سندی، مصادر حدیثی، بصائرالدرجات، علم

الاهی

مقدمه

روایات، یکی از مهم‌ترین منابع معارف مهدوی به‌شمار می‌روند. بدون مراجعه به کلمات معصومین علیهم‌السلام عمده مباحث و مسائل مهدوی به درستی قابل بررسی و تبیین نیست. فهم صحیح آموزه‌های مهدوی و ارائه یک نگاه صحیح و همگون از آن، امر مهمی است که تنها پس از جمع‌آوری تمامی روایات و به‌کارگیری مراحل فقه‌الحدیثی در آن امکان خواهد داشت.

در بین کلمات معصومین علیهم‌السلام احادیثی وجود دارد که بیانگر نوع خاصی از نحوه‌ی قضاوت امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه در دوران پس‌الظهور و حکومت عدل اسلامی است. در این روش، امام بدون طلب شاهد و بینه و با استفاده از علم الهی قضاوت می‌نماید و در واقع، حکم به باطن انجام می‌شود. در این مسیر، ذهن محققین عرصه مهدویت، دنبال پاسخ‌گوئی به امکان و چگونگی این روش قضاوت، تعارض با سیره قضائی صدر اسلام و برخی شبهات وارده در این باره است. از این رو، با جمع‌آوری خانواده‌ی حدیثی پیرامون موضوع و تحلیل سندی و دلالی آن، به دنبال ارائه مطلب صحیح و برداشتی صواب از آن در بین مردم و مجامع علمی هستند.

از این رو، گردآوری روایات پیرامون امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه همیشه مورد توجه بوده است. و روایات قضاوت حضرت نیز، از این قاعده خارج نیست. پیشینه تلاش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی فوق در دو بخش کتاب‌ها و مقاله و پایان‌نامه‌ها قابل ذکر است.

کتاب‌ها؛

در کتاب‌های حدیثی که به موضوع امام زمان عجل‌الله‌تعالیه پرداخته شده، معمولاً روایات قضاوت و سیره قضائی حضرت به صورت پراکنده آمده است. غیر از دو کتاب متقدم حدیثی که مولفین آن‌ها یک باب را به این موضوع اختصاص داده‌اند. آن دو کتاب عبارت‌اند از:

۱. بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام اثر مرحوم صفار (۲۹۰ق) ص ۲۵۸-۲۵۹ «باب

فی الأئمة من آل محمد علیهم‌السلام أنهم إذا ظهروا و حکموا بحکومة آل داود»

۲. الکافی اثر مرحوم کلینی (۳۲۹ق) ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۸ «باب فی الأئمة عليهم السلام انهم اذا ظهر امرهم حکموا بحکم داود و آل داود و لا یسالون البینه»
بقیه‌ی کتب حدیثی که روایات قضاوت امام مهدی عجل الله فرجه را به صورت پراکنده گزارش کرده‌اند، نیز عبارت است از:

۱. الغیبه اثر نعمانی (۳۶۰ق) ص ۲۳۳-۲۳۷ و ص ۲۵۳ و ص ۳۱۹
 ۲. شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام اثر ابن حیون (۳۶۳ق) ج ۲، ص ۳۰۸
 ۳. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر عليهم السلام اثر خزاز رازی (قرن ۴) ص ۴۳ و ۸۲
 ۴. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد اثر شیخ مفید (۴۱۳ق) ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۶
 ۵. الغیبه اثر شیخ طوسی (۴۶۰ق) ص ۴۷۴
 ۶. الخرائج و الجرائح اثر راوندی (۵۷۳ق) ج ۱، ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۸۶۰ و ۹۳۷
 ۷. سرور فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله فرجه اثر نیلی نجفی (۸۰۳ق) ص ۱۰۷
- ناگفته نماند که این منابع حدیثی، صرفاً به نقل روایات (معتبر و غیر معتبر) پرداختند و هیچگونه بیان اضافه‌ای نداشتند. فلذا با مراجعه و نگاه به آن‌ها می‌توان گفت که این کتب، روایات را (البته نه بصورت کامل و نیز) بدون بررسی مصدری و سندی (کامل) آورده‌اند و صرفاً به امکان اجرای چنین قضاوتی و ذکر دلایل اجرا یا عدم اجرای آن پرداختند. یا اینکه اقدام به دفاع از آن در برابر مخالفین نمودند.

مقاله و پایان‌نامه‌ها؛

علاوه بر کتب یاد شده، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز به این قضیه ورود کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مقاله دفاع از روایات مهدویت ۲ (داوری بر پایه واقع=داوری داوودی)، مهدی حسینیان قمی، فصلنامه انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۸۴، ص ۲۲۷.

که نویسنده درصدد پاسخگویی به اشکالات روایات حکم داودی از سوی مستشکل خاص است؛

۲. مقاله تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی بر اساس باطن موضوع، محمد زارعی و عبدالحسین خسروپناه، فصلنامه انتظار موعود، سال شانزدهم، شماره ۵۲، بهار ۹۵، ص ۲۱؛

۳. پایان نامه بررسی تحلیلی احادیث مربوط به حکم امام زمان به باطن و رابطه آن با عدالت گستری آن حضرت، محمد زارعی، دانشگاه معارف اسلامی. نویسنده (علاوه بر بررسی روایات) درصدد ارتباطگیری حکم به باطن و عدالت گستری جهانی حضرت ﷺ است.

تمامی آثار مذکور در زمینه مورد نظر خود ورود کردند، اما امتیاز خاص این نگاشته (که کمتر مورد توجه قرار گرفت) احصای روایات قضاوت در کتاب متقدم بصائر و اعتبار سنجی آن‌ها است. بدین صورت که از زوایای مختلف (مصدری، سندی، دلالی، فهرستی و ...) مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، نوشته‌ی پیش‌رو، پژوهشی خاص است. چراکه سعی کرده تا حد امکان به صورت مبسوط به آن بپردازد.

اعتبار سنجی

اعتبارسنجی در مطالعات حدیثی شیعه به معنای بررسی و ارزیابی میزان اعتبار یک روایت از دو جنبه سندی (تحلیل زنجیره راویان: یعنی بررسی وضعیت راویان در سند روایت اعم از وثاقت، ضعف، غلو، واقفیه بودن و ...) و اعتبار محتوایی (تحلیل متن روایت: یعنی بررسی هماهنگی متن روایت با قرآن، سنت قطعی، عقل و آموزه‌های شیعی) است. این فرآیند برای تشخیص روایات معتبر از ضعیف و تعیین قابلیت استناد به آن‌ها در استنباط آموزه‌های دینی به کار می‌رود.

قضاوت

واژه «قضاء-قضی» (با تلفظ مد و قصر) در لغت عربی دارای معانی متعدد (تا یازده معنا) است، از جمله: «محکم کردن»^۱، «وصیت»^۲، «آمدن»^۳، «سرنوشت»^۴ و «حکم»^۵. اگرچه، مشهورترین کاربرد آن در قرآن^۶ و ادبیات^۷، معنای «حکم و داوری» است، اما در زبان فارسی برای جلوگیری از اشتباه با دیگر معانی، از واژه «قضاوت» (به عنوان مصدر ساختگی برای این معنا) استفاده می‌شود.^۸ فلذا می‌توان گفت که این واژه، مصداق «مشترک لفظی» است. برخی لغویان معنای اصلی را «پایان دادن» یا «اتمام امر» می‌دانند. از جمله ابن منظور که از قول زهری، همه معانی را به «انقطاع و اتمام امور» بازمی‌گرداند.^۹ شیخ مرتضی انصاری نیز معتقد است تمام معانی به «اتمام الشیء والفراغ منه» بر می‌گردد.^{۱۰} با همه این توضیحات، «قضاوت» در این پژوهش به «حل و فصل منازعات و پایان بخشی به اختلافات» اطلاق می‌شود.

مصدر شناسی

یکی از نشانه‌های اعتبار حدیث (بعنوان جزء العله)، وجود آن در منابع متقدم است. از این رو، بررسی برای یافتن روایت در میان منابع قرون نخست، جایگاه قابل توجهی دارد. همان‌گونه که

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۸۵.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۵. ابن فارس، مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۹۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۶. ر.ک: غافر/۲۰؛ سبأ/۱۴؛ یوسف/۶۸؛ اسراء/۲۳ و ...

۷. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، ج ۴۰، صص ۷-۸.

۸. فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۶۸۶.

۹. [/https://abadis.ir/fatofa/%D9%82%D8%B6%D8%A7%D9%88%D8%AA](https://abadis.ir/fatofa/%D9%82%D8%B6%D8%A7%D9%88%D8%AA)

۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۱۱. انصاری، القضاء و الشهادات، ص ۲۵.

تکرار روایت در این بازه‌ی زمانی نیز نشان دهنده اصالت حدیث بوده و در اعتبار آن نقش مهمی دارد. در ادامه و برای تکمیل اعتبارسنجی روایت، بررسی منابع متاخر تا دوران علامه مجلسی - عصر تدوین جوامع متاخر- نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

بر این اساس، تبیین درست روایات اهل بیت علیهم‌السلام {به صورت عام} و روایات قضاوت امام مهدی علیه‌السلام {به صورت خاص}، در وهله‌ی نخست، نیازمند به کارگیری مصادر و منابع معتبر و البته متقدم است. در وهله‌ی بعدی، جایگاه مصدر مورد نظر در میان کتب روائی به صورت عام و اعتبار آن در میان منابع مهدوی به صورت خاص، باید مورد توجه قرار بگیرد. از این رو، یکی از اولین منابعی که روایات مرتبط با قضاوت حضرت حجت علیه‌السلام را نقل کرده و الان در بین ما موجود است، کتاب بصائرالدرجات است. البته لازم به ذکر است که مرحوم برقی در کتاب المحاسن یک روایت را به امر قضاوت امام مهدی علیه‌السلام اختصاص داده که از عهده این متن خارج است.^۱

معرفی کتاب بصائرالدرجات

محمد بن حسن بن فروخ صفار (متوفای ۲۹۰ ق) در کتاب «بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام» ۵ روایت مربوط به قضاوت امام عصر علیه‌السلام را تحت «باب فی الأئمة من آل محمد أنهم إذا ظهوروا و حکموا بحکومة آل داود» گزارش کرده است. با توجه به این که ایشان در زمان ائمه علیهم‌السلام زندگی می‌کرد، به نظر می‌رسد منبع قابل اعتماد و معتبری باشد. البته این اعتبار به عنوان جزء العله برای نقل روایات محسوب می‌شود؛ چراکه یکی از موارد ترجیح متن حدیث، قدمت مصدری و تاریخ نگارش آن است. او همچنین از یاران امام حسن عسکری علیه‌السلام و از چهره‌های سرشناس یاران ائمه علیهم‌السلام و راویان حدیث به شمار می‌آید. نجاشی می‌نویسد: «محمد بن حسن بن فروخ صفار یکی از چهره‌های درخشان شیعه در شهر قم بوده، وی شخصیتی مورد اطمینان و دارای ارزشی والا

۱. ر.ک: برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۸۷، ح ۲۸. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ لَا يُقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا الرَّكَانِي الْمُخَصَّنُ بِرُجْمِهِ وَمَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ.

است. روایات او بر بسیاری از روایات ترجیح داده می‌شود. او تألیفات فراوانی نیز دارد.^۱ کتاب مورد نظر، مشتمل بر ۱۸۸۱ حدیث است که در ده بخش و هر بخش حدوداً شامل بیست باب می‌باشد. این اثر، از کتب معتبر و کهن شیعه به شمار می‌رود که از زمان نگارش تاکنون پیوسته مورد توجه علما و بزرگان قرار داشته و بسیار به آن استناد نموده‌اند؛ چنانکه مرحوم کلینی - با واسطه - در کتاب الکافی،^۲ شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه^۳ و علامه مجلسی در بحار الانوار^۴ از آن نقل کرده‌اند.

بررسی روایات

حدیث اول: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي بَانَ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِثِّي رَجُلٌ يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ عَنْ يَتِيمَةٍ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا.^۵

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمود: «دنیا به پایان نمی‌رسد (از بین نمی‌رود) تا این که مردی از من قیام کند: مردی که با حکم آل داود داوری می‌کند و از هیچکس بینه و شاهد نمی‌طلبد و حکم هرکس را - به عدالت - عطا می‌فرماید.»

تحلیل سند:

احمد بن محمد: ایشان «أحمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک بن الأحوص بن السائب بن مالک بن عامر الأشعری» و مکنی به ابو جعفر است. نجاشی ایشان را «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم»^۶ معرفی نموده و شیخ طوسی وی را «ثقه»^۷ می‌داند.

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۵۴.

۲. کلینی، الکافی، المقدمة، ص ۱۷؛ ج ۱، ص ۵۲۶، ح ۲.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷ و ۴۷ و ...

۴. مجلسی، بحار الانوار، روایات فراوانی که از کتاب بصائر الدرجات نقل کرده است.

۵. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۸، باب ۱۵، ح ۱.

۶. نجاشی، رجال، صص ۸۱-۸۲. نظیر همین عبارت ر.ک: طوسی، فهرست، ص ۶۰.

۷. طوسی، رجال، ص ۳۵۱.

ابن سنان: نام وی «محمد بن سنان الزاهری» و با کنیه «أبو جعفر» ذکر شده است.^۱ نجاشی او را «جدا ضعیف» دانسته و منفردات وی را قابل التفات نمی‌داند.^۲ همچنین ابن شاذان نیز نقل روایات او را جایز ندانسته و احادیث وی را رد کرده است.^۳ شیخ طوسی نیز تمام روایات وی را دارای خلط و غلو می‌داند.^۴ با این حال، کشی سه روایت از امام جواد^{علیه السلام} نقل می‌کند که دلالت بر صحت مذهب و مدح ایشان دارد.^۵ علامه حلی نیز با نقلی از شیخ مفید ایشان را ثقه دانسته، ولی در ادامه، درباره ایشان توقف نموده است.^۶ با همه این گزارشات، نظر نویسنده، موافق با کشی و منطبق بر نرم افزار درایه موسسه نور، ثقه بودن ایشان است.

ابان: مرحوم کشی، مذهب ابان بن عثمان احمر را ناووسی می‌داند.^۷ علامه حلی نیز با همین نقل، مذهب وی را فاسد می‌داند.^۸ در عین حال، هر دو بزرگوار، ایشان را از اصحاب اجماع دانسته‌اند.^۹ بنابراین راوی مورد نظر، حداقل دارای حسن حال است؛ هرچند با توجه به اصحاب اجماع بودن وی، می‌توان ایشان را معتبر دانست.

نتیجه تحلیل سند:

روایت فوق، دارای سند متصل و عادی ارزیابی می‌شود و طبق مبنا معتبر است. این روایت در

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۲۸.

۲. همان.

۳. کشی، رجال، ص ۵۰۷.

۴. طوسی، فهرست کتب شیعیه، ص ۴۰۶.

۵. کشی، رجال، ص ۵۰۲.

۶. علامه حلی، رجال، ص ۲۵۱.

۷. کشی، رجال، ص ۳۵۲.

۸. علامه حلی، رجال، ص ۲۲.

۹. همان، ص ۲۱؛ کشی، رجال، ص ۳۷۵.

مصادر بعدی، از جمله یکی از کتب اربعه^۱، کتاب الخرائج^۲ و بحار الانوار^۳ تکرار شده است. با نقل یکی از اصحاب اجماع^۴ و همچنین قمیین^۵ می توان آن را نیز تلقی به قبول کرد.

حدیث دوم: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.^۶

ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: «[ای ابا عبیده!] زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به حکم داود و سلیمان علیهما السلام داوری می نماید و از مردم هیچ گواهی طلب نمی کند.»

تحلیل سند:

محمد بن عیسی: نام کامل وی «محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین بن موسی مولی اُسد بن خزیمه» است و با کنیه «أبو جعفر» شناخته می شود. شیخ طوسی ایشان را ضعیف دانسته است.^۷ اما مرحوم نجاشی ایشان را جزو بزرگان اصحاب دانسته و با لفظ «ثقة عین» توصیف کرده است.^۸ همچنین ایشان، در ترجمه «محمد بن احمد بن یحیی»، ضمن اشاره به استثناء روایاتش از محمد بن عیسی از سوی محمد بن حسن بن ولید، از استادش -أبو العباس بن نوح- نقل می کند که وی عادل و مورد اعتماد بوده است.^۹ علامه حلی با ارائه گزارشی از این تناقضات در مورد وی، این گونه نظر می دهد: «و الأقوی عندی قبول روایت». ^{۱۰} هرچند در صفحات گذشته

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲. قطب راوندی، الخرائج، ج ۲، ص ۸۶۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

۴. أجمعت العصابة علی تصحیح... ابان بن عثمان. ر.ک: کشی، رجال، ص ۳۷۵.

۵. محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمي شیخ أصحابنا في زمانه. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۳۵۳.

۶. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹، باب ۱۵، ح ۳.

۷. طوسی، فهرست کتب شیعه، ص ۴۰۲.

۸. نجاشی، رجال، ص ۳۳۳.

۹. همان، ص ۳۴۸.

۱۰. علامه حلی، رجال، ص ۱۴۱.

کتابش، هنگام ذکر نام بکر بن محمد ازدی، نظری خلاف نظر فوق دارد و می‌نویسد: «و عندی فی محمد بن عیسی توقف.»^۱ مرحوم خوئی نیز تناقض بین این دو را ظاهر می‌داند و در ادامه با تتبع به این نتیجه رسیده که تضعیف شیخ صدوق و استادش در خصوص محمد بن عیسی مربوط به روایاتی است که منفرداً از یونس نقل می‌کند و برای ادعای خود، دلایلی می‌آورد؛ و نتیجه نهایی کلام خود را عدم ضعف راوی می‌داند.^۲ در مجموع به نظر می‌رسد وی ثقه است.

محمد بن اسماعیل: نام کامل او «محمد بن اسماعیل بن بزيع مولى المنصور»، کنیه ایشان «أبو جعفر» و از صلحا و ثقات شیعه است.^۳ شیخ طوسی نیز ایشان را «ثقه صحیح» توصیف می‌کند.^۴ از این روای از ثقات و بزرگان اصحاب به شمار می‌آید.

منصور بن یونس: منصور بن یونس بزرگ، کوفی الاصل^۵ و با کنیه ی أبویحیی^۶ در روایات آمده است. نجاشی ایشان را توثیق می‌کند^۷، ولیکن شیخ طوسی، مذهب او را واقفی می‌داند.^۸ اما ابن داود در کنار واقفی دانستن او، وی را ثقه می‌داند.^۹ علامه حلی نیز با توجه به کلام شیخ و همچنین نقل کشی در انکار منصور در نص بر امامت امام رضا^ع و عدم استرداد اموال به حضرت^{۱۰}، در روایات وی توقف نموده و بلکه آن‌ها را مردود می‌داند.^{۱۱} ولی به نظر می‌رسد، واقفی بودن مذهب، خدشه‌ای به وثاقت روائی منصور وارد نسازد؛ همان‌گونه که نجاشی و ابن داود

۱. همان، ص ۲۶.

۲. خوئی، معجم رجال الحدیث، ص ۱۱۷ - ۱۱۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۳۰.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۶۴.

۵. نجاشی، رجال، ص ۴۱۲.

۶. همان؛ طوسی، رجال، ص ۳۰۶. (البته کنیه ی أبوسعید نیز برای او گفته‌اند. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۴۱۲)

۷. نجاشی، رجال، ص ۴۱۲.

۸. طوسی، رجال، ص ۳۴۳.

۹. ابن داود، رجال، ص ۵۲۱.

۱۰. کشی، رجال، ص ۴۶۸.

۱۱. علامه حلی، رجال، ص ۲۵۹.

اظهار نموده‌اند.

فضیل اعور: کنیه‌ی وی در روایات، «أبو محمد الأعور» می‌باشد.^۱ کتب رجال و اسانید در ضبط نام وی بین «فضل» و «فضیل» اختلاف دارند، ولی مورد پذیرش همگان، این است که وی پسر عثمان مرادی صائغ انباری است.^۲ نجاشی و علامه حلی ایشان را با لفظ «ثقه ثقه» معرفی کرده‌اند.^۳ مرحوم خوئی نیز -از قول شیخ مفید- وی را از فقهای اعلام در اخذ حکم و فتوا به حلال و حرام می‌داند.^۴

ابی عبیده: نجاشی وی را «زیاد بن عیسی» با کنیه «ابوعبیده»، معرفی و توثیق نموده است.^۵ کشی در ضمن روایتی، دعای امام صادق علیه السلام در هنگام وفات ایشان را دلیل بر حسن عقیده وی می‌داند.^۶

نتیجه تحلیل سند

نوع این گزارش، مسند است و همه‌ی راویان آن دارای توثیق هستند. فلذا روایت مورد نظر، صحیح‌السند است. هرچند تنها مشکل آن، اضمار در نقل است که سند را به ضمیر تبدیل می‌کند. در مصادر نخستین بعدی، خود این روایت نیامده است؛ ولی در مصادر قرن ۱۲ به بعد، از جمله: بحارالانوار،^۷ اثبات الهداه^۸ و تفسیر نورالثقلین^۹ تکرار شده است.

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۰۸.

۲. ر.ک: محدث نوری، خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۲۵۲، پاورقی ۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۰۸؛ علامه حلی، رجال، ص ۱۳۳.

۴. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۲۸.

۵. نجاشی، رجال، ص ۱۷۰.

۶. کشی، رجال، ص ۳۶۸.

۷. ر.ک: ج ۵۲، ص ۳۲۰.

۸. ر.ک: ج ۵، ص ۱۴۱.

۹. ر.ک: ج ۴، ص ۴۵۲.

حدیث سوم: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيْزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

يَقُولُ لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.^۱

ترجمه: حریز می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «هرگز دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از ما اهل بیت قیام کند که به حکم داود علیه السلام داوری می‌نماید و از مردم هیچ طلب بینه نمی‌کند.»

تحلیل سند

عبدالله بن جعفر: نجاشی نام کامل وی را «عبدالله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع الحمیری القمی» با کنیه «أبو العباس» ذکر کرده و او را شیخ قمیان و شخصیت برجسته آنان معرفی کرده است.^۲ شیخ طوسی نیز وی را با لفظ «ثقه» توصیف کرده است.^۳

محمد بن عیسی: همان‌گونه که در ذیل روایت پیشین توضیح آن آمده، ایشان در نهایت، توثیق شده‌اند.

یونس: درباره «یونس بن عبدالرحمن» مکنی به ابومحمد، روایاتی مختلفی از مدح و ذم وارد شده است.^۴ شاید به دلیل همین امر، قمیان وی را تضعیف کرده‌اند.^۵ اما به نظر می‌رسد ایشان عظیم‌القدر و بزرگ اصحاب بوده باشد.^۶ از این روست که شیخ طوسی نیز ایشان را توثیق نموده است.^۷

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹، ح ۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۲۱۹.

۳. طوسی، رجال، ص ۴۰۰.

۴. نجاشی، رجال، ص ۴۴۷.

۵. طوسی، رجال، ص ۳۴۶.

۶. نجاشی، رجال، ص ۴۴۶.

۷. طوسی، رجال، ص ۳۴۶ و ۳۶۸.

حریز: نام ایشان «حریز بن عبدالله السجستانی الأزدي» و با کنیه ی أبومحمد است.^۱ در روایاتی از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام مذموم شمرده شده؛ هرچند مدحی نیز درباره ی وی آمده است.^۲ شیخ طوسی نیز وی را توثیق نموده است.^۳ در مجموع به نظر می رسد ایشان ثقة باشد.

نتیجه تحلیل سند

این روایت، صحیح السند و دارای سند متصل و عادی است. در مصادر پنج قرن نخست، این روایت تکرار نشده؛ ولی در مصادر قرن ۱۲ به بعد، از جمله: بحار الانوار،^۴ اثبات الهداه^۵ و مستدرک الوسائل^۶ تکرار شده است.

حدیث چهارم: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مَنْصُورٍ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَدَّاءِ قَالَ: كُنَّا زَمَانَ أَبِي جَعْفَرٍ حِينَ قُبِضَ تَتَرَدَّدُ كَالْعَنَمِ لَا رَاعِيَ لَهَا ... يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّهُ لَمْ يُنْتَعِ مَا أُعْطِيَ دَاوُدَ أَنْ أُعْطِيَ سُلَيْمَانَ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ وَكَانَ سُلَيْمَانُ لَا يُسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.^۷

ترجمه: [ابوعبیده گوید:] ما در زمان [امام] باقر علیه السلام - پس از رحلت آن حضرت - [برای تعیین جانشین،] مانند گله بی چوپان سرگردان بودیم، [که در این میان] سالم بن ابی حفصه را - که بعدها زیدی مذهب شد و امام صادق علیه السلام او را لعن و تکفیر کرد - ملاقات کردیم، [سالم] به من گفت: ای ابا عبیده! امام تو کیست؟ گفتیم: ائمه من، آل محمد علیهم السلام هستند گفت: هلاک شدی و مردم را هم هلاک کردی، مگر من و تو از امام باقر علیه السلام نشنیدیم که می فرمود «هر که بمیرد و بر او

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۴۴.

۲. کشی، رجال، ص ۳۸۴.

۳. طوسی، فهرست، ص ۱۶۲.

۴. ر.ک: ج ۵۲، ص ۳۱۹.

۵. ر.ک: ج ۵، ص ۱۴۱.

۶. ر.ک: ج ۱۷، ص ۳۴۳.

۷. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹، باب ۱۵، ح ۵.

امامی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است؟» گفتم: آری! به جان خودم! چنین است. من خودم [همان زمان] حدود سه روز پیش، خدمت امام صادق علیه السلام رفته بودم و خدا معرفت او را به من روزی کرد - و او را به جانشینی پدرش شناختم. - به حضرت عرض کردم: سالم به من چنین و چنان گفت. فرمود: ای ابا عبیده! همانا کسی از ما [=ائمه] نمی‌میرد مگر این که کسی را جانشین خود کند، که کردار و رفتارش مانند خود او باشد و به آنچه او دعوت می‌کرد، دعوت کند. ای ابا عبیده! آنچه خدا به داود علیه السلام عطا فرمود، مانع آنچه به سلیمان عطا کرد، نگشت - پس مقام و فضیلتی را که خدا به پدرم عطا فرمود، به من نیز عطا می‌فرماید - سپس فرمود: ای ابا عبیده! زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به حکم داود و سلیمان علیه السلام داوری می‌نماید و هیچ گواهی طلب نمی‌کند.

تحلیل سند

یعقوب بن یزید: مرحوم نجاشی «یعقوب بن یزید بن حماد الأنباری السلمی» مکنی به «ابو یوسف» را «ثقه صدوق» معرفی کرده است.^۱ شیخ طوسی نیز وی را «ثقه» توصیف نموده است.^۲ ابن ابی عمیر: کنیه وی «أبو أحمد الأزدي» و نام کاملش، «محمد بن أبی عمیر زیاد بن عیسی» است.^۳ مرحوم طوسی او را نزد عامه و خاصه از اوثق رجالیان شمرده است.^۴ مرحوم کشی وی را جزو اصحاب اجماع ذکر کرده^۵ و در ادامه، روایات زیادی در مدح و جلالت ایشان نقل کرده است.^۶ منصور: نام «منصور» در این طریق و طبقه با دو نفر مشترک است^۷ که اتفاقاً هر دوی آن‌ها

۱. رجال نجاشی، ص ۴۵۰.

۲. فهرست طوسی، ص ۵۰۸؛ رجال طوسی، ص ۳۶۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۲۶.

۴. فهرست طوسی، ص ۴۰۴.

۵. کشی، رجال، ص ۵۵۶.

۶. همان، صص ۵۹۰ و ۵۹۱.

۷. منصور بن حازم البجلی و منصور بن یونس بزرج.

ثقه‌اند.^۱ اما با توجه به طریق روایت سوم [=روایت قبلی] که نام منصور به طور کامل [منصور بن یونس] آمده، می‌توان پی برد که نام وی «منصور بن یونس» است که ثقه می‌باشد. فضیل اعور: همان گونه که در ذیل روایت دوم توضیح داده شد، ایشان توثیق شده‌اند. ابی عبیده حذاء: ایشان نیز در ذیل روایت دوم توثیق شده‌اند.

نتیجه تحلیل سند

سند این روایت، متصل، عادی و صحیح است. این روایت در خود کتاب بصائر^۲، مختصر البصائر^۳ کتاب الکافی^۴، کتاب الخرائج^۵ و بحارالانوار^۶ تکرار شده است. با نقل یکی از اصحاب اجماع^۷ و تکرار در مصادر نخستین، به گونه ای، تلقی به قبول نیز شده است.

حدیث پنجم: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: سَيَأْتِي مِنْ مَسْجِدِكُمْ هَذَا يَغْنِي مَكَّةَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا يَغْلَمُ أَهْلَ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ أَبَاؤُهُمْ وَلَا أجدَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ يَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ تَبَعْتُ الرِّجْلُ فَنَادَى بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمُهْدِيُّ هَذَا الْمُهْدِيُّ يَقْضَى بِقَضَاءِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ عَلَيْهِ يَبِينَةٌ.^۸

ترجمه: ابان بن تغلب گفت: [همراه امام] جعفر بن محمد رضی الله عنه در مکه در مسجد بودم و آن حضرت دست مرا گرفته بود و فرمود: ای ابان! در آینده، خداوند سیصد و سیزده نفر در این مسجد شما [=مسجد الحرام] فرا خواهد آورد که اهل مکه می‌دانند که پدران و اجدادشان آنان را نیاورده‌اند. [=به طور معجزه آسا حاضر می‌شوند]. همه شمشیر به کمر دارند و بر هر شمشیر، نام

۱. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۴۱۳. (منصور بن حازم ابو ایوب البجلی کوفی ثقة عین صدوق من جلة أصحابنا و فقهاءهم)

۲. ر.ک: صفار، بصائر، ج ۱، ص ۵۱، ح ۱۵.

۳. حسن حلی، مختصرالبصائر، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱.

۵. قطب راوندی، الخرائج، ج ۲، ص ۸۶۱.

۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۸۵.

۷. أجمع أصحابنا على تصحيح ... و محمد بن أبي عمير. ر.ک: کشی، رجال، ص ۵۵۶.

۸. صفار، بصائر، ج ۱، ص ۳۱۱، باب ۱۸، ح ۱۱.

صاحب شمشیر نوشته شده است که با آن هزار گونه سخن و استدلال گشوده می‌شود. سپس دستور می‌دهد تا کسی به آواز بلند اعلام کند که: این همان مهدی است! او به قضاوت آل داود علیهم‌السلام داوری می‌کند و برای قضاوت خود، هیچ گواهی طلب نمی‌کند.

تحلیل سند

محمد بن حسین: «أبو جعفر، محمد بن الحسين بن أبي الخطاب الزيات الهمداني»، یکی از بزرگان شیعه، دارای قدر و منزلت و روایات بسیار است و در عین حال، ثقه و عین شمرده می‌شود.^۱ شیخ طوسی وی را کوفی و ثقه می‌داند.^۲

موسی بن سعدان: موسی بن سعدان حناط (خیاط)^۳ کوفی، دارای کتب بسیار است؛ ولی در حدیث، ضعیف شمرده شده است.^۴ ابن غضائری وی را غالی در مذهب و ضعیف می‌داند.^۵ اما نکته قابل توجه، بیان مرحوم خوئی در ادامه است که می‌گوید: این تضعیفات با توثیق علی بن ابراهیم معارض است. بنابراین، این شخص، مجهول الحال می‌شود و به روایات وی اعتنائی نمی‌شود.^۶

عبدالله بن قاسم: نام کامل وی «عبدالله بن القاسم الحضرمی» معروف به «بطل» است. در کتب رجالی کذاب، غالی^۷ و واقفی^۸ گزارش شده است. به روایات وی اعتنائی نمی‌شود.^۹

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۳۴.
۲. طوسی، رجال، ص ۳۷۹.
۳. همان، ص ۳۴۴.
۴. نجاشی، رجال، ص ۴۰۴.
۵. ابن غضائری، رجال، ص ۹۰.
۶. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۵۱.
۷. نجاشی، رجال، ص ۲۲۶.
۸. طوسی، رجال، ص ۳۴۱.
۹. نجاشی، رجال، ص ۲۲۶.

مالک بن عطیه: «أبوالحسین، مالک بن عطیة الأحمسی البجلی الکوفی» جزو ثقات شیعه است.^۱
 ابان بن تغلب: «ابوسعید، أبان بن تغلب بن رباح البکری الجریری»، فقیه، قاری، لغوی و دارای منزلتی بس بالا در بین اصحاب است؛ تا جائی که امام باقر^{علیه السلام} به وی فرمود: «اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس، فإنی أحب أن یری فی شیعتی مثلك.»^۲ وی با لفظ «ثقه» نیز توصیف شده است.^۳

نتیجه تحلیل سند

این روایت، دارای سند متصل و عادی است؛ ولیکن در بین راویان، افراد ضعیف و مجهول وجود دارد. هرچند تکرار گزارش آن در آثار متقدمینی چون شیخ صدوق^۴ با همان اسناد و نعمانی^۵ با دو سند متفاوت،^۶ به گونه‌ای متن همین روایت را اجمالاً مورد پذیرش قرار می‌دهد.

نتیجه

بررسی روایات مربوط به قضاوت امام مهدی^{علیه السلام} با استناد به منابع متقدم و متأخر حدیثی، نشان می‌دهد که این موضوع در فرهنگ شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. هرچند برخی اسناد این روایات به دلیل وجود راویان ضعیف یا مجهول، با چالش‌های سندی مواجه‌اند، اما با توجه به تکرار مضمون این روایات در منابع معتبر و گاه با اسناد صحیح‌تر، می‌توان به اعتبار محتوایی آن‌ها اطمینان یافت. بر این اساس، مهمترین یافته‌های این مقاله بدین شرح است:

۱. همان، ص ۴۲۲.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. طوسی، فهرست کتب شیعه، ص ۴۴.

۴. ر.ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الخصال، ج ۲، ص ۶۴۹.

۵. ر.ک: الغیبه، ص ۳۱۳، باب ۲۰، ح ۵؛ همان، ص ۳۱۵، ح ۷.

۶. سند روایت ۵: حَدَّثَنَا أَبُو سَلِيمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوذَةَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّهَاتُيْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ. سند روایت ۷: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبَانَ.

۱. **اعتبار مصدر:** منبعی مانند «بصائر الدرجات» صفار از جمله قدیمی‌ترین و معتبرترین منابعی است که این روایات را نقل کرده‌اند. این کتاب به دلیل قدمت و اعتبار مؤلف، از جایگاه ویژه‌ای در میان منابع حدیثی شیعه برخوردار است.

۲. **تحلیل سندی:** از ۵ روایت بررسی شده، ۴ روایت دارای سند صحیح و یک روایت دارای سند ضعیف است. با این حال، ضعف سندی احتمالی با نقل مضامین مشابه در مصادر معتبر متقدم مانند الکافی، نعمانی و صدوق و متأخر مانند بحارالانوار جبران می‌شود. علاوه بر این، به دلیل قدمت تاریخی و «تلقی به قبول» علمای دیگر، اعتبار محتوایی آن‌ها تقویت می‌شود. شایان ذکر است که اشتراک محتوایی تمام روایات در تأکید بر «قضاوت بدون بینة» با استناد به سنت داوودی، نشان‌دهنده تواتر معنوی این آموزه است.

۳. **تکرار و تلقی به قبول:** تکرار این روایات در منابع متقدم و متأخر مانند الکافی، بحارالانوار و وسائل الشیعه و نقل آن‌ها توسط محدثان بزرگی چون شیخ صدوق و علامه مجلسی، نشان‌دهنده پذیرش این احادیث در میان عالمان شیعه است. همچنین، وجود اصحاب اجماع در سند برخی از این روایات، بر اعتبار آن‌ها می‌افزاید.

۴. **مضمون مشترک:** تمامی این روایات بر یک مضمون مشترک تأکید دارند و آن این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در دوران حکومت خود، مانند حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام و با استفاده از علم الهی، بدون نیاز به شاهد و بینة قضاوت خواهد کرد. این مضمون، همسو با آموزه‌های شیعه درباره جایگاه ویژه امامت و علم امام است.

بنابراین، با توجه به مجموع شواهد و قرائن، [در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت] تکرار روایات، و تأیید محدثان بزرگ، نشان می‌دهد که محتوای این احادیث، معتبر و قابل استناد است. از این رو قضاوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر اساس علم الهی و بدون طلب شاهد و بینة، از آموزه‌های مورد پذیرش است. این موضوع نه تنها با سیره انبیای گذشته مانند داوود و سلیمان علیهم السلام همخوانی دارد، بلکه بر جایگاه ویژه امامت و اتصال امام به علم الهی تأکید می‌کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **کمال الدین و تمام النعمه**، اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۹۵ ق.
۲. _____، **الخصال**، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش و
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دارالفکر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. انصاری، مرتضی، **القضاء و الشهادات**، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، اول، ۱۴۱۵ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد، **المحاسن**، دارالکتب الاسلامیه، قم، دوم، ۱۳۷۱ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. حلی، ابن داود، **الرجال**، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲ ش، اول.
۹. حلی، حسن بن سلیمان، **مختصر البصائر**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، **رجال العلامة الحلی**، دارالذخائر، نجف اشرف، دوم، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه**، بی نا، بی جا، پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد**، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. طوسی محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، سوم، ۱۳۷۳ ش.

۱۴. _____، **فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب**

الاصول، مكتبة المحقق الطباطبائي، قم، اول، ۱۴۲۰ ق.

۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **كتاب العين**، نشر هجرت، قم، دوم، ۱۴۰۹ ق.

۱۶. فرهنگ فارسی. (<https://abadis.ir/fatofa>)

۱۷. قطب راوندی، **الخرائج و الجرائح**، نشر مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

الشریف، اول، قم ۱۴۰۹ ق.

۱۸. کشی، محمد بن عمر، **رجال الكشي**، موسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، اول، ۱۴۰۹ ق.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۲۰. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق.

۲۱. محدث نوری، **خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، نشر مؤسسة آل البيت

عليهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ ق

۲۲. نجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشي**، موسسه النشر الاسلامی، قم، ششم، ۱۳۶۶ ش.

۲۳. نجفی، محمد حسین، **جواهر الكلام فی شرح شرايع الاسلام**، دار احیاء التراث العربی،

بیروت، هفتم، ۱۴۰۴ ق.

۲۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، نشر صدوق، تهران، اول، ۱۳۹۷ ق.

۲۵. واسطی بغدادی، احمد، **الرجال غضائری**، نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۶۴ ش، اول.